

ادامه از صفحه اول

۴۰روز بعد از مرگ کاظم پور اردبیلی

بارها به آقایان گفتم؛ همسایه ویران بهتر است یا آباد و امن و ثروتمند؟ خواسته من از ایجاد اکو و رونق اقتصاد همه همسایه بود؛ والا من پول درآوردن را از ۱۴سالگی در بازار تهران تا اداره رستوران‌های آمریکا بلد بودم. اما نفهمیدم هنر فقیر نگه‌داشتن مردم روی طلا یعنی چی؟ اتحادیه کشورهای صادرکننده گاز را تقلیدی طراحی نکردم؛ یک کار عملیاتی منسجم اقتصادی یا بارزهی بالا، چه برای تولیدکننده و چه برای مصرف‌کننده مدنظر بود. به تاریخ‌نگاری هم نه عقیده دارم و نه امید، ولی به اینکه کفن جیب ندارد و ما هم عبرت نگرقتیم، یاور دارم. از همان جلسه نخست با حرف‌هایش معادله‌های ذهنی من را به هم ریخت. گفتم: دوست دارم بار شما را ببینم، ولی با این ترافیک کاری و مراجعان فراوان در اتاق انتظار... . گفتم: اینها را ول کن، درد روزانه من است، ولی هر چند ماه یک بار سهو، چهار ساعتی هم را ببینیم. گفتم: اگر شما اجازه ضبط به من بدهی؟ خندید و گفت: خوب خودت حفظ کن، برای خودت خوب است. گفتم: من برای خود نمی‌خواهم، برای بعد از خودم می‌خواهم. چیزی نگفت و من هم دیگر تماسی نگرفتم. خودش سه ماه بعد تماس گرفت، خیلی صریح گفتم: از دفتر کارتان حس خوبی ندارم. از همان‌جا هر چند هفته یک بار ایشان را در دفتر کار شخصی‌اش می‌دیدم. گفتم: دائم می‌پرسیدم اشتباه شما چه بود، او هم می‌گفت: اشتباه‌های ما یکی و دو تا نبود؛ ما در تکویر به امید آب گیر افتادیم. من بعد از وزارت بازرگانی باید همین سس کچاپ خودم را ادامه می‌دادم. قدیمی‌ها می‌گفتند برو کشتک را بساب، یک‌ساعت بعد از بیرون‌آمدن از حادثه هفت تیر نگفت «برو سستو بساب» گفتند: به وجودت نیاز داریم. دائم آقای هاشمی می‌گفت: نباید صحنه را خالی کنی؛ چون مردم گرفتارتری می‌شوند. همان موقع فهمیدم کوپن سهمیه‌بندی و دفتر بسیج اقتصادی خطاهای من بود. از هفته‌های اول کار در وزارت خارجه فهمیدم تخریب نظام سلسله‌مراتبی برای عده‌ای تندرو منفعت است. وقتی خودم را با اردشیر زاهدی و منوچهر اقبال و این‌چور نیروهای پخته و زبده قبل از خودم مقایسه می‌کنم، می‌بینم اینها از ماشین‌نویسی و بایگانی شروع کردند و خوب کارشان هم موفق بودند؛ اما من باید دنبال جواب بدهم که به بهانه شعار «نه شرقی نه غربی» من را وادار به خرید از بلوک شرق می‌کردند، می‌گفتم، پس من هم پخته نبودم، آدم پخته خودش را با تندرهای دیگر نمی‌داند. در چند کنفرانس غیرمتعهدها، حرف افرادی مثل یاسر عرفات فلسطینیایی و احمد سکوتوره کینه‌ای را جدی نگرفتم. خلاصه‌مطلب اینکه قاعده بازی ایجاد تعادل بین شرق و غرب را بلد نبودیم؛ تازه اگر به ما اجازه می‌دادند نفتی هم می‌فروختیم، نه برای زیرساخت بلکه برای قوت روزانه. بعد هم هر لباسی خواستند دوختند و به تنشان کردند. تازه فهمیدم حسن سس کچاپ این است؛ می‌خوام، می‌بینم و بالا و پایین می‌کنم و با بهبود کیفیتش، سلامتی عروق مردم را بیشتر می‌کنم. از اول باید این کار را می‌کردم. در هر جلسه می‌پریدم آقای هاشمی از همه جلدهای کارنامه خاطرات منتشرشده‌اش از شما دکروخیری دارد، می‌گفت: من نه نفهمیدم یک مشت جمله پریده‌بریده که هرکدام برای خود من معما داشت، به چه درد می‌خورد. من یکه‌وتنها ۳۰ سال در اوپک مذاکره می‌کردم و تصمیم نهایی با هم خودم می‌گرفتم. از عکس و دوربین هم متفر بودم. حالا یادداشت‌های آقای هاشمی چه گشایشی در تاریخ‌نگاری دارد، من که توجیه نمی‌کنم، یک بار می‌تو به صحنه سیاه‌کمی شاید به درد بخورد. به هر حال حسرت ضبط خاطرات این بابلی مرد ابرازبارق فروش اهل مسجد و مدرسه و بازار کان حرفه‌ای و مذاکرکننده با طرف‌های آمریکایی در پرداخت غرامت به لغو قراردادها و شرح ۳۰ سال تاریخ اقتصادی ایران، حتی در دفتر دبیرانش هم به‌مدلم داده، ولی یاد همکاران باشی که خدایمان فرمود: «و یوشکمان نخستین از مهاجران و انصار و کسانی که با نیکوکاری از آنان پیروی کردند، خدا از ایشان خشنود و برای آنان باغ‌هایی آماده کرده که از زیر درختان آن نهرها روان است و همیشه در آن جاودانه‌اند؛ این است همان کامیابی بزرگ».

● در زمان کنونی اما به نظری می‌رسد فرایند مدرنیزاسیون، تکنولوژی و همچنین توسعه شهرها، این نقش را به لحاظ کالبدی و محتوایی با چالش‌هایی روبه‌رو کرده یا دست‌کم درصدد محدودکردن قدرت

تاثیرگذاری نهادهای سنتی مانند بازار است. در بحران همه‌گیر کرونا که جهان و ایران را دستخوش تحولات و تغییراتی اساسی کرده، درحالی‌که عمده کشورهای جهان فعالیت اصناف مختلف را تعطیل کرده‌اند، نقش اصناف کشور در توزیع خدمات و کاهش

تبعات اجتماعی و اقتصادی آن اگر نکویم بی‌نظیر

بلکه در قیاس با کشورهای عمدتا توسعه‌یافته و پیشرفته کم‌تأثیر است و می‌تواند با تمهید بستر و

فضای مطلوب، چه به لحاظ سیاست‌های اداری و چه بررسی برنامه‌های حمایتی از اصناف به‌عنوان

ظرفیتی ملی و داخلی در مسیر مبارزه با جنگ

اقتصادی از آن بهره‌برداری شود. پیوند و ارتباط

تنگناکتب اصناف و مردم که در همین ماجرای کرونا و تبعات و بحران‌های ناشی از آن هم نمود داشت، در

تقویت اعتماد مردم به حاکمیت و نهادهای اجرایی

و اداری، اهمیت فراوانی دارد و نگرش‌ها، داورۃ‌ها

و قضاوت مردم به‌عنوان عمق استراتژیک اهداف و

آرمان‌های ما درباره کارآمدی سیاست‌های اقتصادی

و اجتماعی را جهت می‌دهد.

شرق: با وخیم‌شدن وضعیت معیشت خانوار به سبب افت درآمد و افزایش تورم و گرانی، اقلام دیگر نیز با رشد درخور توجهی روبه‌رو شده‌اند. مسکن، یکی از مواردی است که همتای گرانی‌ها، افزایش داشته و جامعه با افزایش درصد اجاره‌نشینی روبه‌رو شده است؛ علاوه بر اینکه بسیاری از مردم، به دلیل افزایش نرخ اجاره، مجبور به حاشیه‌نشینی یا سکونت در شهرهای اقماری شده‌اند. در این حالت، خانوارها، پله‌پله از هر سطح درآمدی، به پایین آمده و به‌روشنی با افزایش درصد حاشیه‌نشینی و سکونت در بافت‌های فرسوده روبه‌رو شده‌ایم. هرچند آمار دقیق قابل استنادی از سال ۱۳۹۶ به این سو، در این زمینه وجود ندارد و آمارهای اعلامی نیز تنها گمانه‌زنی است، اما بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران حوزه مسکن، خبر از گسترش «سکونت در حاشیه آرامستان‌ها»، «پشت‌بام‌خوابی» و «مغازه‌خوابی»، به‌ویژه در بین کارگران می‌دهند. اجاره هر شب خوابیدن زیر آسمان هم از سال گذشته تا امسال، ۲۵ هزار تومان افزایش یافته و به گفته علی نودزیرو، شهرداد منطقه ۲۲، به ۵۰ هزار تومان رسیده است؛ اتفاقی که تأییدی بر شیوه «بدمسکنی» در کشور به شمار می‌رود.

خط فقر مسکن مشخص شود

ناصر ذاکری، پژوهشگر حوزه مسکن، در گفت‌وگو با «شرق» با اشاره به گسترش پدیده بدمسکنی در ایران می‌گوید: «بدمسکنی را ادامه می‌دادم. قدیمی‌ها می‌گفتند برو کشتک را بساب، یک‌ساعت بعد از بیرون‌آمدن از حادثه هفت تیر نگفت «برو سستو بساب» گفتند: به وجودت نیاز داریم. دائم آقای هاشمی می‌گفت: نباید صحنه را خالی کنی؛ چون مردم گرفتارتری می‌شوند. همان موقع فهمیدم کوپن سهمیه‌بندی و دفتر بسیج اقتصادی خطاهای من بود. از هفته‌های اول کار در وزارت خارجه فهمیدم تخریب نظام سلسله‌مراتبی برای عده‌ای تندرو منفعت است. وقتی خودم را با اردشیر زاهدی و منوچهر اقبال و این‌چور نیروهای پخته و زبده قبل از خودم مقایسه می‌کنم، می‌بینم اینها از ماشین‌نویسی و بایگانی شروع کردند و خوب کارشان هم موفق بودند؛ اما من باید دنبال جواب بدهم که به بهانه شعار «نه شرقی نه غربی» من را وادار به خرید از بلوک شرق می‌کردند، می‌گفتم، پس من هم پخته نبودم، آدم پخته خودش را با تندرهای دیگر نمی‌داند. در چند کنفرانس غیرمتعهدها، حرف افرادی مثل یاسر عرفات فلسطینیایی و احمد سکوتوره کینه‌ای را جدی نگرفتم. خلاصه‌مطلب اینکه قاعده بازی ایجاد تعادل بین شرق و غرب را بلد نبودیم؛ تازه اگر به ما اجازه می‌دادند نفتی هم می‌فروختیم، نه برای زیرساخت بلکه برای قوت روزانه. بعد هم هر لباسی خواستند دوختند و به تنشان کردند. تازه فهمیدم حسن سس کچاپ این است؛ می‌خوام، می‌بینم و بالا و پایین می‌کنم و با بهبود کیفیتش، سلامتی عروق مردم را بیشتر می‌کنم. از اول باید این کار را می‌کردم. در هر جلسه می‌پریدم آقای هاشمی از همه جلدهای کارنامه خاطرات منتشرشده‌اش از شما دکروخیری دارد، می‌گفت: من نه نفهمیدم یک مشت جمله پریده‌بریده که هرکدام برای خود من معما داشت، به چه درد می‌خورد. من یکه‌وتنها ۳۰ سال در اوپک مذاکره می‌کردم و تصمیم نهایی با هم خودم می‌گرفتم. از عکس و دوربین هم متفر بودم. حالا یادداشت‌های آقای هاشمی چه گشایشی در تاریخ‌نگاری دارد، من که توجیه نمی‌کنم، یک بار می‌توانم به صحنه سیاه‌کمی شاید به درد بخورد. به هر حال حسرت ضبط خاطرات این بابلی مرد ابرازبارق فروش اهل مسجد و مدرسه و بازار کان حرفه‌ای و مذاکرکننده با طرف‌های آمریکایی در پرداخت غرامت به لغو قراردادها و شرح ۳۰ سال تاریخ اقتصادی ایران، حتی در دفتر دبیرانش هم به‌مدلم داده، ولی یاد همکاران باشی که خدایمان فرمود: «و یوشکمان نخستین از مهاجران و انصار و کسانی که با نیکوکاری از آنان پیروی کردند، خدا از ایشان خشنود و برای آنان باغ‌هایی آماده کرده که از زیر درختان آن نهرها روان است و همیشه در آن جاودانه‌اند؛ این است همان کامیابی بزرگ».

ذاکری با بیان اینکه حداقل امکانات مسکن و رفاه واحد مسکونی را می‌توان «خط فقر مسکن» نامید، می‌افزاید: «اصولاً قانون اساسی بر تأمین نیازهای اساسی ازجمله مسکن تأکید کرده است و قبل از آن، اصل ۳۱ داشتن مسکن متناسب با نیاز را حق هر فرد می‌داند و دولت را موظف به فراهم‌کردن زمینه تحقق این مهم می‌کند. با عنایت به این دو اصل، شناخت ابعاد بدمسکنی به‌منظور برآورد حدود تعهد دولت امری ضروری است».

وزیر سابق راه و شهرسازی در شهریور سال ۹۶ تعداد افراد گرفتار معضل بدمسکنی را ۱۹ میلیون نفر (هشت میلیون نفر در بافت فرسوده شهری و ۱۱میلیون نفر در حاشیه شهرها) اعلام کرده بود که این آمار به زمان تدوین طرح جامع مسکن در

سال ۱۳۹۳ بازمی‌گردد. با توجه به افت جدی قدرت خرید و معیشت خانوار، بسیاری از کارشناسان معتقدند حاشیه‌نشینی و بدمسکنی در کشور به ارقامی بیش از ۱۹ میلیون رسیده است. چندی پیش، محمدرضا محبوب‌فر، عضو انجمن آمایش سرزمین ایران، گفته بود میزان حاشیه‌نشینی در کشور به ۳۸ میلیون نفر رسیده که از این تعداد، ۷٫۶ میلیون نفر در نزدیکی آرامستان‌ها زندگی می‌کنند. هرچند این آمار به گفته تحلیلگران، قابل استناد نیست؛ زیرا بررسی جامعی از سال ۱۳۹۳ تاکنون صورت نگرفته، اما افزایش بدمسکنی در کشور مورد تأیید درعین‌حال، منطقه ۲۲ تهران نیز با پدیده «پشت‌بام‌خوابی» روبه‌رو است که روز به روز کارگران بیشتری درخواست اجاره آن را دارند. سال گذشته رقم اجاره این پشت‌بام‌ها ۲۵ هزار تومان بود و اکنون به ۵۰ هزار تومان افزایش یافته است. ذاکری در این زمینه به نکته مهمی اشاره می‌کند: «دولت مانند یک بنگاه اقتصادی، ناگزیر از برآورد میزان بده‌ها و تعهدات خود و تدوین برنامه زمان‌بندی‌شده برای ایفای این تعهدات است. نبود اطلاعات پایه در این مورد را می‌توان نشانه بی‌اعتنایی دولتمردان به پرورنده فقر مسکن و عدم تعهدشان به تسویه این بدهی دانست».

مصادیق بدمسکنی چیست؟

او با اشاره به مصادیق بدمسکنی می‌افزاید: «استفاده از مصالح نامرغوب و نایمن مانند آلونک، کبر و حلبی‌آباد و همچنین واحدهای مسکونی‌ای که خارج از ضوابط شهری، بدون رعایت طرح تفصیلی و در حاشیه شهرها هرچند از مصالح بهتر و باکیفیت‌تر ساخته می‌شوند، مصداق بدمسکنی تلقی می‌شود. باید مناطقی از شهرها را هم که با عنوان بافت فرسوده شهری شناسایی می‌شوند،

اقتصاد

کوچ اجاره‌نشین‌ها به حاشیه قبرستان

پشت‌بام‌ها شبی ۵۰ هزار تومان اجاره می‌شوند



علی، ۱۱ساله، صاحب‌مسکن، پشت‌بام، تهران

با حداقل بخش بزرگی از این مناطق را نیز جزء مصادیق بدمسکنی تلقی کنیم؛ زیرا ساختمانی که چند دهه از عمرش گذشته، به دلیل فرسودگی، حداقل ایمنی و امکانات رفاهی را نیز ندارد.» به گفته او، درحال‌حاضر بیش از ۳۰ درصد کل واحدهای مسکونی کشور عمری بالای ۲۵ سال دارند. در این رابطه، بسیاری از ساختمان‌هایی که در قالب مسکن مهر ساخته شده‌اند، به دلیل تلاش برای کاهش هزینه ساخت، متهم به فقدان ایمنی لازم هستند.

این پژوهشگر با بیان اینکه «مشترک با کوچک‌بودن سرانه فضای مسکونی» یکی دیگر از مصادیق بدمسکنی است، تصریح می‌کند: سکونت دو یا چند خانواده در یک واحد مسکونی یا سکونت یک خانواده پرجمعیت در واحد مسکونی با متراژ کم، به‌گونه‌ای که اتاق کافی در اختیار اعضای خانوار نباشد، حتی اگر ساختمان از نظر مصالح و شیوه ساخت فاقد ایراد باشد نیز باید از مصادیق بدمسکنی تلقی شود. در سرشماری سال ۹۵، تعداد خانوارها از تعداد واحدهای مسکونی ۱۰۳۶۶۰۰۰ مورد بیشتر بوده و از کل واحدهای مسکونی در حال استفاده، ۱۱۴ هزار واحد هرکدام پذیرای سه یا چهار خانوار و حتی بیشتر بوده‌اند. به بیان دیگر، بیش از دو میلیون خانوار، یعنی نزدیک به ۸۰٫۵ درصد از کل خانوارهای کشور، تجربه زیستن در یک واحد مسکونی به صورت اشتراکی و غیرمستقل را دارند. از سوی دیگر، در همین سال ۳۱٫۲ درصد واحدهای مسکونی در حال استفاده مساحتی کمتر از ۷۵ مترمربع داشته‌اند؛ این در حالی است که متوسط مساحت واحدهای مسکونی در حال استفاده در سال ۹۵ در دامنه ۹۰ تا صد مترمربع قرار داشت. ذاکری به شاخص «افزایش درصد اجاره‌نشینی» به‌عنوان یکی دیگر از مصادیق اشاره کرده و

می‌افزاید: «از سال ۱۳۹۷ به این سو، با رشد درخور توجه درصد اجاره‌نشینی روبه‌رو بوده‌ایم که در کنار افزایش جدی اجاره‌بها، فشار مضاعفی را بر خانوار وارد کرده است. با این اوصاف، اجاره‌نشینی را هم تحت شرایطی باید جزء مصداق‌های فقر مسکن یا بدمسکنی تلقی کرد. ممکن است واحد مسکونی استیجاری از نظر ایمنی، اندازه و سایر معیارها حداقل کیفیت لازم را داشته باشد، اما در شرایط حاکمیت تورم دورقمی، بسیاری از مستأجران نگران آینده خواهند بود که آیا سال بعد هم می‌توانند اقامت خود را در واحد مسکونی فعلی تمدید کنند یا ناگزیر از نقل‌مکان به محله‌ای پایین‌تر هستند. در سرشماری سال ۸۵ سهم خانوارهای مالک واحد مسکونی از کل خانوارها ۶۷٫۹ درصد بود، اما این رقم در سال ۹۵ به ۶۰٫۵ درصد کاهش یافته است. همچنین در این فاصله ۱۰ساله، تعداد خانوارها ۶۰۸۴۳۰۰۰ واحد افزایش یافته که فقط کمتر از ۴۲ درصد آنها موفق به تملک واحد مسکونی شده‌اند.

این به آن معناست که جامعه در حال پیروشی به سمت مستأجرشدن است و با شکل‌گیری نسخه جدیدی از نظام آرباب و رعیتی در عرصه املاک شهری و رشد تدریجی جمعیت مستأجر با سرعت درخور توجه، ابعاد بدمسکنی هم در حال گسترش است.

رشد بدمسکنی با افزایش اجاره‌نشینی

فردین یزدانی، کارشناس اقتصاد مسکن، در گفت‌وگو با «شرق» می‌گوید: «با وجودی که برآورد آمار جدیدی در رابطه با بدمسکنی از سال ۱۳۹۳ به این سو وجود ندارد، اما به دلیل تحولات اقتصادی، گسترش فقر، رشد تورم و... که بیشتر از سال ۱۳۹۷ به این سو رخ داده، قطعاً آمار بدمسکنی در کشور افزایش شایان توجهی یافته است و ضرورت دارد دولت برای بررسی این وضعیت، نسبت به بررسی و تهیه آمار به‌روز اقدام کند».

یزدانی با بیان اینکه نرخ اجاره‌نشینی در کشور افزایش یافته، ادامه می‌دهد: «با گسترش اجاره‌نشینی در کشور، قطعاً وضعیت بدمسکنی در کشور تقویت شده است و افراد بیشتری به حاشیه شهرها رانده شده‌اند.»

بالبین‌حال او تأکید می‌کند: «با وجودی که تأیید می‌کنم با گسترش حاشیه‌نشینی و بدمسکنی روبه‌رو هستیم، اما حضور ۳۸ میلیون حاشیه‌نشین، پایه و اساس کارشناسی ندارد؛ زیرا با فرض پذیرش این رقم، اکنون باید شهرهای کشور خلوت باشند. درحال‌حاضر، ۶۵ میلیون نفر شهرنشین داریم که منطقی نیست از این رقم، ۳۸ میلیون نفر حاشیه‌نشین باشند.» به گفته او، البالبین‌حال، اکنون تعداد زیادی از کارگران، «پشت‌بام‌خواب» و «مغازه‌خواب» شده‌اند و این مسئله به‌هیچ‌وجه کتمان‌شدنی نیست.

«شرق» جزئیات بودجه خانواده‌ها در سال ۹۸ را بررسی می‌کند

دریافت اجاره‌بها؛ منبع در آمد ۴ میلیون خانوار

خريد گوشت جذب کرده و ۲۰ درصد از هزینه‌ها نیز برای تأمین آرد، نان و غلات صرف شده است. خانواده‌ها فقط توانسته‌اند ۱۱ درصد از کف توزیع ثروت عادلانه انجام می‌شد. ۲۰۰ میلیون نفر از فقر شدید نجات می‌یافتند. این توزیع عادلانه نه از طریق امور خیریه؛ بلکه با کاهش بی‌خدگی

مالیاتی شرکت‌های بزرگی که در کشورهای فقیر سرمایه‌گذاری می‌کنند، فراهم می‌شود. نتیجه‌ای که از این آمار‌ها به دست می‌آید، این است که یک زحمتی بسیار عظیم جهانی سرمایه (یا ثروت) از کشورهای توسعه‌یافته پیرامونی به سمت چند کشور ثروتمند جهان شانه‌روزر در جریان است. همچنین اکسفام در سال ۲۰۱۸ در حاشیه نشست داووس گزارش داد که ۸۲ درصد از ثروت جهان در اختیار تنها یک درصد جمعیت کره زمین است. آنچه این آمار را ترسناک‌تر می‌کند، این است که از سال ۲۰۱۷ به این سو هر روز دو نفر بر میلیارد‌های جهان افزوده می‌شود. این به معنی جریان بی‌وقفه فقیرتر شدن اکثریت عظیم مردم جهان یا به عبارت دیگر غارت میلیون‌ها انسان دیگر از جمعیت کره زمین است.

کروناوعرانی با دashed

در سال‌های پس از جنگ دوم جهانی تاکنون تنها الگوی ملت‌های رشدنیافته توسعه‌یافتگی به شیوه کشورهای سرمایه‌داری غربی بوده؛ تا آنجا که تصویر ذهنی میلیارد‌نفر از مردم کشورهای پیرامونی از یک جامعه آرمانی مملو از رفاه و آسایش و آزادی، غرب است. همه‌گیری ویروس کرونا به‌سرعت این نقش خیال را از خاطر مردم زدود و عریانی پادشاه را در برابر چشم همگان آشکار کرد. بی‌عملی و بی‌خاطیبتی دولت‌های کشورهای اروپایی و آمریکایی در برابر این بیماری همه‌گیر رهاکردن مردم بدون پشت‌پناه از سوی دولت‌ها، بیمارستان‌های مملو از بیمار بدون امکانات اولیه بهداشتی و درمانی و مرگ هزاران نفر

در کشورهای رشدیافته سرمایه‌داری نولیبرال و بدتر از همه پیامد ترسناک بی‌کاری گسترده و نگرانی از آینده مهم، چشم‌انداز تیرهای را جایگزین آن تصویر ذهنی قبلی کرده است. همه‌گیری این ویروس نشان داد می‌هاهو و استدلال‌های ضدعلمی اقتصاددانان نولیبرال درباره خصوصی‌سازی درمان، بهداشت و آموزش سرابی بیش نیست؛

سال هفدهم • شماره ۳۷۴۹ روزانه

گزارش روز

جایک‌سازی یا زمین‌گیرشدن اقتصاد

فریبرز مسعودی ـ پژوهشگر

● هم‌زمان با کودتا علیه آئند در شبلی و ظهور تاج‌ریسم و ربکا‌نیرسم در عرصه سیاست دو کشور آمریکا و انگلیس، جهان با پارادایم جدیدی در اقتصاد با نام نولیبرالیسم روبه‌رو شد. ایدئولوگ‌های این آیین بر پایه اصالت آزادی فردی در غرب و لیبرالیسم اقتصادی چنان آیینی از بازارگرایی ساختند که کسی را یارا و جرئت مقابله و روبرویی با آن نبود؛ پارادایمی که در آن قرار بود با آزادسازی اقتصاد در یک رقابت آزاد و دموکراتیک بهترین‌ها باقی بمانند. در این میدان قوی خوب و ضعیف زشت، کوچک زیبا و بزرگ زشت و در نهایت برنده زیبا و بازنده زشت بود. در این اقتصاد که ارزش هر چیز در رقابت‌پذیری آن خلاصه می‌شود، بهداشت، درمان، آموزش، مسکن و کار باید کالا شوند و در بازار ارزش‌گذاری شوند و ناگزیر بهترین‌ها در کورس رقابت باقی بمانند و آنچه ارزش رقابت ندارد، از گردونه بیرون انداخته شود؛ اما این اقتصاد باید در عرصه جهانی آزموده می‌شد و با جهانی‌سازی، به صورتی یکپارچه برآمده و مردم دنیا از کشورهای کانونی تا پیرامونی همگی از مواهب ثروت و رفاه فراهم‌آمده به طور یکسان برخوردار شوند؛ ازاین‌رو نهادهای فراملی مانند صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و گات آن‌چنان قدرتی یافتند که دولت‌های ملی را یک‌پدیک به زانو درآوردند تا راه برای جهانی‌سازی و خصوصی‌سازی اقتصاد به نام آزادسازی اقتصاد هموار شود. در همان زمان منتقدان سرسرمایه‌داری با استدلال و آمار و ارقام مستند نشان می‌دادند که این ادعاها باعث گسترش فقر، بی‌کاری و بیماری و گرسنگی و گسترش بیماری میلیون‌ها که سهل است، میلیارد‌ها انسان روی کره زمین شده و با حاکم‌شدن این بیش از سرمایه‌داری و دامن‌زدن بی‌رویه به مصرف و مصرف‌گرایی، طبیعت به‌شدت در معرض تخریب قرار گرفته و آینده انسان و زندگی آن بر روی این کره خاکی در معرض تباهی است؛ اما این ادعاها با اینکه میلیاردها نفر از مردم هر روز و هر ساعت در هر گوشه جهان با نمود‌هایی از آن روبرو بودند، در هیاهوی بوق و کرنا و ایدئولوگ‌های بنیادگرایی بازار دیده نمی‌شدند و همگان می‌گفتند ان‌شاءالله کره است.

در اینجا فقط برای یادآوری با مرور برخی آمار‌ها نشان می‌دهیم حاکم‌شدن پارادایم سرمایه‌داری نولیبرال بر جهان چه آثار سوء و ناعادلانه‌ای داشته است.

بیشترین حجم ثروت جهان در ۱۵ کشور از حدود ۲۲۰ کشور در گردش است. به عبارت دیگر ۷۵ درصد کل ثروت جهان در این ۱۵ کشور جریان دارد. این امر نشان‌دهنده غارت ثروت دیگر کشورها از سوی این ۱۵ کشور است که به خودی خود باعث تشنگی‌ایی در روابط بین‌الملل و بروز برخوردهای نظامی و اقتصادی و فرهنگی می‌شود. تازه در بین همین کشورها نیز وزن آمریکا بیش از ۲۰ و چین ۱۴ درصد یا به عبارتی حدود ۳۵ درصد ثروت جهان در این دو کشور گردش دارد. البته ممکن است برخی استدلال کنند که بی‌سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ فقر اقتصادی در چین کاهش یافته؛ اما آمار اکسفام نشان می‌دهد که در همین دوره جمعیت افراد بسیار فقیر در قاره آفریقا به‌شدت افزایش یافته‌اند که بر پایه همین گزارش اگر توزیع ثروت عادلانه انجام می‌شد، ۲۰۰ میلیون نفر از فقر شدید نجات می‌یافتند. این توزیع عادلانه نه از طریق امور خیریه؛ بلکه با کاهش بی‌خدگی مالیاتی شرکت‌های بزرگی که در کشورهای فقیر سرمایه‌گذاری می‌کنند، فراهم می‌شود. نتیجه‌ای که از این آمار‌ها به دست می‌آید، این است که یک زحمتی بسیار عظیم جهانی سرمایه (یا ثروت) از کشورهای توسعه‌یافته پیرامونی به سمت چند کشور ثروتمند جهان شانه‌روزر در جریان است. همچنین اکسفام در سال ۲۰۱۸ در حاشیه نشست داووس گزارش داد که ۸۲ درصد از ثروت جهان در اختیار تنها یک درصد جمعیت کره زمین است. آنچه این آمار را ترسناک‌تر می‌کند، این است که از سال ۲۰۱۷ به این سو هر روز دو نفر بر میلیارد‌های جهان افزوده می‌شود. این به معنی جریان بی‌وقفه فقیرتر شدن اکثریت عظیم مردم جهان یا به عبارت دیگر غارت میلیون‌ها انسان دیگر از جمعیت کره زمین است.

کروناوعرانی با دashed

در سال‌های پس از جنگ دوم جهانی تاکنون تنها الگوی ملت‌های رشدنیافته توسعه‌یافتگی به شیوه کشورهای سرمایه‌داری غربی بوده؛ تا آنجا که تصویر ذهنی میلیارد‌نفر از مردم کشورهای پیرامونی از یک جامعه آرمانی مملو از رفاه و آسایش و آزادی، غرب است. همه‌گیری ویروس کرونا به‌سرعت این نقش خیال را از خاطر مردم زدود و عریانی پادشاه را در برابر چشم همگان آشکار کرد. بی‌عملی و بی‌خاطیبتی دولت‌های کشورهای اروپایی و آمریکایی در برابر این بیماری همه‌گیر رهاکردن مردم بدون پشت‌پناه از سوی دولت‌ها، بیمارستان‌های مملو از بیمار بدون امکانات اولیه بهداشتی و درمانی و مرگ هزاران نفر در کشورهای رشدیافته سرمایه‌داری نولیبرال و بدتر از همه پیامد ترسناک بی‌کاری گسترده و نگرانی از آینده مهم، چشم‌انداز تیرهای را جایگزین آن تصویر ذهنی قبلی کرده است. همه‌گیری این ویروس نشان داد می‌هاهو و استدلال‌های ضدعلمی اقتصاددانان نولیبرال درباره خصوصی‌سازی درمان، بهداشت و آموزش سرابی بیش نیست؛

ادامه در صفحه ۵